

# لحظه به لحظه با مرگ آتشین دختر تهرانی در خشم برادر



## اتاق درمان خانوادگی



دکتر مریم سامانی  
استاد دانشگاه و روانشناس بالینی

گاهی افسردگی نمی‌تواند از راه‌های متعارف به‌ثروت برسند، بنابراین از طریق برخی رفتارها مثل انطباع، نوآوری، تجربیات، عقب‌نشینی یا شورش می‌خواهند این فشار را کاهش داده و به خواسته خود برسند. در عقب‌نشینی مجرم خانواده‌اش را می‌کشد تا به این وسیله خود را از فشار رها کند. در این زمان او اغلب با مسائلی مثل شکست رفته است. از سوی دیگر این افراد اعتقاد دارند خانواده نتوانسته از آنها مراقبت کرده و حمایت لازم را داشته باشد. اگر این فشار در خارج از خانواده باشد احتمال خودکشی در فرد بالا می‌رود. سایر عوامل مربوط به خانواده‌کشی اغلب در کودکی شکل می‌گیرد و تا بزرگسالی ادامه پیدا می‌کند که می‌توان در این زمینه به آسیب‌های دوران کودکی دل بستگی نالین و ضعیف والدین که موجب ناسازگاری و عدم امنیت در کودک است، اشاره کرد برای مثال والدین اجتنابی که به نیازهای دوره کودکی بی‌توجه هستند، اغلب کودکان خشمگین و مستعد خشونت را به جامعه خواهند داد. جدایی و طلاق، سوایستاده و غفلت از فرزند موجب ترس رها شدن در کودک می‌شود که در بزرگسالی با رفتارهای آسیب‌زننده خود را نشان می‌دهد. براساس تحقیقات ۱۰ درصد از مجرمان دچار اختلالات روانی و تجربه کودک‌آزاری جنسی یا فیزیکی بوده‌اند. این عوامل موجب نوسانات رفتاری و عاطفی در آنان می‌شود و در جایی ترکیب این عوامل با هم موجب می‌شود تا فرد نتواند در مدیریت خشم موفق عمل کند یا به همدردی با دیگران بپردازد یا اینکه احساسات خود را بیان کند. همچنین تحقیر و احساس شرم، ناامیدی و شکست‌های دوره کودکی عامل افسردگی هستند که مجرمان را در بزرگسالی تحریک کرده و در مجموع موجب خانواده‌کشی می‌شود. براساس تحقیقات از افرادی که اقدام به خانواده‌کشی داشته‌اند می‌توان بی‌شک از آن‌ها با خشونت در دوره کودکی مواجه بوده‌اند و در زندگی ۵۱ درصدشان خشونت و سابقه خشونت دیده می‌شود. یعنی آنها قبل از خانواده‌کشی فراد بوده‌اند که رفتارهای آسیب‌زننده و خشن داشته‌اند؛ بنابراین گاه این افراد با رفتارهای کنترلی و ایجاد محدودیت یا تهدید کردن قبل از اقدام به خانواده‌کشی در حقیقت نمایی را پیش روی قرار داده‌اند که مورد توجه اطرافیان قرار نگرفته و از این زنگ خطر غفلت شده است. یکی از مواردی که جزو انگیزه‌های اصلی خانواده‌کشی محسوب می‌شود مبارزه بر سر پول و اموال است که اگر با سابقه خشونت در خانواده همراه باشد، خطر خانواده‌کشی را بالا می‌برد. با این حال باید گفت اگرچه استرس‌های اقتصادی در خانواده‌کشی تأثیر دارند، ولی باید به عوامل دیگری مانند طلاق، آسیب‌های دوره کودکی و خشونت در خانواده نیز توجه داشت. همچنین باید خاطر نشان کرد در مجرمان ناامید یا ترکیبی از فرو پاشی خانواده و مسائل مالی روبرو هستیم. مجرمان خانواده‌کشی گاهی به صورت ذهنی انگیزه ارتکاب قتل خانواده و خودکشی را دارند این افراد بشدت بیمار هستند و اختلال افسردگی اساسی، اضطراب شدید، اختلالات مربوط به عوامل استرس‌زا و تروما، اختلال کنترل تکانه و... باید برای در آنها مورد توجه باشد. همچنین اختلالات روان‌پریشی، دوقطبی، وسواس فکری- عملی و اختلالات شخصیت را باید در این موارد در مجرمان خانواده‌کشی مورد توجه قرار داد و توجه داشت که در خانواده‌کشی با یک پاسخ ساده اجتماعی روبرو نیستیم. همان‌طور که دورکیم در معنای آتومی اشاره می‌کند این افراد دچار فروپاشی هنجارهای اجتماعی منجر به آشفتگی هستند. زمانی که بی‌هنجاری و آتومی بالا می‌رود احتمال ارتکاب جرم افزایش پیدا می‌کند که در آن مجرم معتقد است دیگر خانوادگی وجود ندارد و آنچه فکر می‌کند باید مورد توجه قرار گیرد و بر این اساس به هر قیمتی که شده افکارش را با خشن‌ترین شیوه و دردناک‌ترین تصویر عملی می‌کند.

همان موقع یک مرد جوان سرمی‌رسد و با کپسول آتش‌نشانی اقدام به خاموش کردن آتش می‌کند. این شرح محتوای کلیپ است اما آنچه درد این لحظه‌های خشن را در قلب بیننده‌ها بیشتر می‌کند این است که دختر جوان به نام الهام چند روز بعد از حادثه در بیمارستان جان خود را از دست داد. این حادثه چند روز قبل در محله تهرانپارس رخ داد و رسیدگی به این پرونده ابتدا در دادسرای ناحیه ۱۴ شهید محلاتی به جریان افتاد اما با مرگ تلخ الهام ۳۴ ساله در بیمارستان رسیدگی به پرونده در دستور راز ماجرا آغاز خواهد شد.

کشیده شدن دختر جوانی توسط یک مرد منتشر شد. «خودروی چانگان سفید رنگ با سرعت خیلی کم چند متری حرکت می‌کند. در خودرو سمت راننده باز است و مرد جوانی با راننده درگیر است. مرد جوان یک بطری در دست دارد و محتوای داخل بطری را به سر و صورت و بدن راننده می‌پاشد. چند لحظه بعد راننده را از صندلی خودرو پایین می‌کشد و دستش را سمت جیبش می‌برد. ناگهان هر دو نفر آتش می‌گیرند. راننده که یک زن جوان است سرتا پا در آتش می‌سوزد و در اطراف ماشینش می‌دود.

برادرش عمق یک فاجعه در تهران را فاش کرد. به گزارش «ایران»، در سونامی اطلاعات و اخبار و محتوای فضای مجازی، انتشار کلیپ‌ها یا محتوای دردناک و خشن، اجتناب‌ناپذیر اما دردناک است که به روح جامعه خدشه وارد می‌کند. درست مثل همین چند روز قبل که فیلم به قتل رسیدن شهید الداغی توسط ارژل و ابویا بازتاب وسیعی در سطح جامعه ایجاد کرد و هنوز چند روزی از آن حادثه تلخ نگذشته بود که شب گذشته کلیپ به آتش

همان موقع یک مرد جوان سرمی‌رسد و با کپسول آتش‌نشانی اقدام به خاموش کردن آتش می‌کند. این شرح محتوای کلیپ است اما آنچه درد این لحظه‌های خشن را در قلب بیننده‌ها بیشتر می‌کند این است که دختر جوان به نام الهام چند روز بعد از حادثه در بیمارستان جان خود را از دست داد. این حادثه چند روز قبل در محله تهرانپارس رخ داد و رسیدگی به این پرونده ابتدا در دادسرای ناحیه ۱۴ شهید محلاتی به جریان افتاد اما با مرگ تلخ الهام ۳۴ ساله در بیمارستان رسیدگی به پرونده در دستور راز ماجرا آغاز خواهد شد.



ولی علی رو به من فحش داد. من هم گلدانی را که در راهرو بود برداشتم و به ستمش پرت کردم. علی از پله‌ها بالا آمد و کشیده‌ای به من زد. در این حین آقندر عصمانی شدم که چادر از سر همسر برداشتم و دور گردن علی گره زده و او را از پله‌ها به پایین بردم. وقتی به کوچه رسیدم چندین گره محکم دور گردنش زدم و با خود کشیدم. همسر مدام جیغ می‌زد و از همسایه‌ها تقاضای کمک می‌کرد. همه همسایه‌ها به کوچه ریختند. به کسی اجازه ندادم نزدیک شود و دخالت کند. بعد از مرگ علی، چون شلووار خانگی پوشیده بودم به خانه برگشته و شلووار بیرون پوشیده و به کوچه رفته و از همسایه‌ها خواستم با پلیس تماس بگیرند. بعد از آمدن پلیس، خودم را تسلیم آنها کردم. در آن لحظه واقعاً مغرم قفل کرده بودم. این پدر در پایان سخنان خود و درحالی که اشک از چشمانش جاری می‌شد، گفت: علی پسر بسیار پاک و با ناموس و درستی بود، تنها مشکلم صرف مواد مخدر بود. او را کشتیم چون بعد از من چه کسی تقاضای پول کرد. این بار مادرش گفت به خدا چیزی نداریم که به تو بدهیم، ولی صبر کن ببینم می‌توانم از همسایه‌ها یا کسی پول قرض کنم و به تو بدهم. مادرش چادر سر کرد و همراه علی از پله‌ها پایین رفتند. دیدم سرو صدایشان زیاد شد، چرا که علی اصلاً زیربار نمی‌رفت و پافشاری می‌کرد که هر طور شده از مادرش پول بگیرد. از علی خواهش کردم ساکت شود، چون همه همسایه‌ها خواب بودند و این همه سرو صدای آنها را اذیت می‌کرد.

## پسر ۱۷ ساله قربانی خشم پدرش شد

# ۳ سال زندان برای کشتن پسر ناخلف

پدر تبریزی در اعتراض به رفتارهای افیونی پسر ۱۷ ساله‌اش، او را جلوی چشم همسایه‌ها به قتل رساند. به گزارش «ایران»، ساعت ۱۱ ظهر ۲۳ آبان ماه سال ۱۴۰۰ بود که گزارش قتل دردناک پسری جوان به تیم جنایی پلیس آگاهی تبریز گزارش شد و تیمی از مأموران برای بررسی صحنه جرم و کشف رمز و راز این جنایت هولناک که همراه بازپرس ویژه قتل به محل حادثه اعزام شدند. کارآگاهان به محض رسیدن به کوچه، با انبوهی از جمعیت مواجه شدند که مات و مبهوت وسط کوچه حلقه زده بودند و وسط این حلقه مملو از جمعیت، جسم بی‌جان پسری جوان افتاده و مادرش بالای سرش شبون‌دهای را به درد می‌آورد. در جایی دور از این جمعیت و در گوشه‌ای خلوت، پدر این جوان روی زمین نشسته و سرش را میان دستانش گرفته بود. طوری که انگار کل دنیا روی سرش خراب شده است. همسایه‌ها به محض مشاهده پلیس نایاب آغاز شد. دوستانی که هرچه می‌کشیدیم از دست آنان بود، دوستانی که زندگی من، پسرم و خانواده‌ام را نابود کردند، دوستانی که ما را به رخت سیاه نشانده‌اند. از وقتی با دوستان ناباب رفت و آمد کرد، به مصرف مشروبات الکلی و مواد افیونی روی آورد. از دست کارهای علی، روزگار من و مادرش همیشه

سیاه بود، حتی یک روز خوش هم نداشتیم. همه تلاش خود را برای ترک کردنش انجام دادیم. حتی با صاحب کارخانه‌ای که خودم در آن مشغول به کار بودم، صحبت کردم و دست علی را در آنجا بند کردم، اما بعد از مدتی با بهانه‌گیری‌های مختلف دیگر سرکار نرفت. چگونه متوجه اعتیاد علی شدید؟ همیشه سرگردان و بی‌کار بود و با گردن کلفتی، از مادرش پول می‌گرفت. ساعت ۲ شب به خانه می‌آمد و تا ظهر می‌خوابید. اما در کمال تعجب متوجه شدیم علی چند روزی است که صبح‌ها برخلاف روزه‌های گذشته اول وقت بیدار می‌شود. با توجه به غیرعادی بودن مسأله، با همسرم تصمیم گرفتیم وی را تعقیب کنیم. در حین تعقیب با صحنه‌ای مواجه شدیم که در آن لحظه، کل دنیا روی سرمان آوار شد، صحنه‌ای که با دیدن آن، هزاران بار آرزوی مرگ کردیم، صحنه‌ای که کمرمان را شکست و از کل دنیا ناامیدمان کرد، صحنه‌ای که دیدن آن، برای هر پدر و مادری سراسر آزار است. آن صحنه چیزی جز لحظه «گل» کشیدن جگرگوشه‌مان روی صندلی پارک نبود. دیدیم علی روی صندلی پارک نشسته و در حالت کاملاً خماری قرار دارد. فقط خدا می‌داند آن لحظه من و مادرش چه حالی داشتیم. تا به حال علی بازداشت هم شده بود؟ در آن لحظه با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتیم تا بلکه با بازداشت شدنش، اندکی سرعقل بیاید. علی از پارک رفت، برگشتیم به خانه و در حین برگشت علی را در کوچه دیدیم که به سمت خانه می‌رود. سریع با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتیم و علی بازداشت شد اما خیلی زود آزاد شد. بعد از آزادی رفتار علی تغییری کرده بود؟ علی بعد از بازگشت از کلانتری، همه شیشه‌های خانه و کنترل تلویزیون و... را شکست. در آن لحظه آقندر عصمانی شدم که سیم تلویزیون را کشیدم و دور گردن علی پیچیدم. مادرش آقندر داد و فریاد کرد که همسایه‌ها ریختند و علی را از دست گرفتند. در همان لحظه، علی را به بیمارستان رازی برده و به مدت ۹ روز در آنجا بستری کردیم. اما بستری در بیمارستان تنها در حد چند روز تأثیرگذار بود. بعد از چند روز همان آتش و همان کاسه شد؛ دوباره گل کشیدن‌ها و آزار و اذیت‌های فراوان علی شروع شد. آیا دوباره فکری برای استخدام و کار کردن او کردید؟

## تک‌خبر

داشتن چاقو از پسر نوجوان قاتل ساخت

# قاتل تولد ۱۷ سالگی در زندان

معمومه مرادپور زیر آفتاب سرش را پایین انداخته بود، نمی‌دانم از سوزش آفتاب بود که اینقدر سر به پایین شده بود یا از اینکه صورتش سوززه دوربین شود خودش را پنهان کرده بود... رستم جلو و صدایش کردم، سن و سالش با بقیه فرق داشت... خودش را معجزه معرفی کرد، تازه دیروز بود که رخت ۱۷ سالگی را به تن کرده و تولدش را پشت در آهنی بازداشتگاه تجربه کرده است... معجد گفت اگر چاقو نداشتیم، اگر عصمانی نمی‌شدم، اگر مرحوم روی سرم نمی‌ریخت و هزاران ارگه‌ای که دیگر هیچ فایده نداشت... در میان کلامش فوج ندانم و پشمیانی به چشم می‌خورد. چندسال داری؟ تازه ۱۷ ساله شده ام. چرا بازداشت شدی؟ به اتهام قتل. چی شد که مرتکب قتل شدی؟ من با دوستانم در پارک با بچه محله هایمان سر چند فحش با هم درگیر شدیم، مقتول از پشت کردن مرا گرفته بود که بعد آن اتفاق افتاد. چطور او را کشتی؟ چاقویی که از قبیل درجییم داشتیم درآوردم و ضربه‌ای به او زدم. همیشه چاقو در جیب هست؟ بله، تقریباً دوماهی بود در جیبم بود. از کجا آوردی؟ از دوستانم در جیبم بود. چند کلاس درس خوانده ای؟ کلاس دهم. الان که بازداشت شده ای چه احساسی داری؟ بسیار پشیمانم. قبول داری که اگر چاقو نداشتی قاتل نمی‌شدی؟ بله، چون فقط می‌توانستم چند مشت و لگد بزنم و الان اون مرحوم زنده بود و من به خاطر قتل در بازداشتگاه نبودم.

